

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





دانشکده الهیات و علوم اسلامی

گروه فلسفه و کلام اسلامی

پایان نامه

جهت دریافت درجه ی کارشناسی ارشد در رشته ی فلسفه و کلام اسلامی

موضوع

بررسی تطبیقی مسأله شر از دیدگاه ابن عربی و ملاصدرا

استاد راهنما

دکتر مرتضی شجاری

استاد مشاور

دکتر سید مجید صدرمجلس

پژوهشگر

مجتبی صادقی

زمان:

تابستان ۱۳۹۰

## تقديم به

## تقدير و تشكر

|  |                                    |
|--|------------------------------------|
| نام خانوادگی : صادقی   | نام: مجتبی                         |
| عنوان پایان‌نامه: بررسی تطبیقی مسأله شر از دیدگاه ابن عربی و ملاصدرا   |                                    |
| استاد راهنما: دکتر مرتضی شجاری   | استاد مشاور: دکتر سید مجید صدرمجلس |
| مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد   | رشته: فلسفه و کلام اسلامی          |
| دانشگاه: تبریز   | دانشکده: الهیات و علوم اسلامی      |
| واژه‌های کلیدی: وحدت وجود، تجلی، مسأله شر، نظام احسن، خیر محض  |                                    |
| <p>چکیده: مطابق آموزه «وحدت وجود» ابن عربی، در عالم شری نیست و همه چیز زیباست؛ زیرا هستی تجلی زیبای مطلق (حق تعالی) است. ابن عربی آفرینش را مطابق حدیث «عشق» توصیف کرده که در این وصف، خداوند عاشق با تجلیات ذاتی و اسمائی، خویشتن را به ظهور می‌رساند. اعیان ثابت (صور معقولات کلیه) علت صدور کثرات‌اند، مطابق این دیدگاه همه چیز زیباست و خلق در عین وحدت با حق قرار دارد و حق عین خلق است و جدای از خویشتن نیست تا متصف به شرور شود. ملاصدرا در مسأله شر تا حد زیادی متأثر از آرا و عقاید عرفانی ابن عربی است، اما در صدد ارائه فلسفی مکتب محیی‌الدین می‌باشد. وی مانند ابن عربی به عدمی بودن شرور تأکید داشته و تنها وجود را خیر تلقی می‌کند و حق تعالی را خیر محض. پس هر دو حکیم شر را عدمی معرفی کرده‌اند. امر عدمی دیگر به جاعل یا خالق نیاز ندارد ازین رو؛ شبهه «ثنویت» رد می‌شود. ملاصدرا نظام هستی را بهترین نظام و «احسن» دانسته و با دو رویکرد «پسینی» و «پیشینی» به اثبات آن نائل می‌آید. ابن عربی نیز بر احسن بودن عالم معتقد است اما دلیل عقلی ارائه نداده؛ زیرا اهل عرفان اولاً: مقام عقل را در برابر کشف و شهود ناچیز می‌دانند، در ثانی: قاعده علیت و اصل تشکیک وجود را قبول ندارند و از بحث «تجلی» و «ظهور» به جای «علت» و «معلول» بهره می‌گیرند. از نظر ایشان محال است کسی عارف باشد و به احسن بودن نظام هستی اعتقاد نداشته باشد؛ چون عالم تجلی حق تعالی است و حق تعالی در غایت حسن و جمال است. ابن عربی و ملاصدرا علم و معرفت به خویشتن را اساس «خداشناسی» معرفی کرده‌اند و در مقابل جهل را زشت‌ترین شرور، و دوزخ را به دوری از ذات خدایی خویش معنا کرده‌اند که درک این دوری و اسارت سبب عذاب می‌شود. هر دو متفکر شرور را نسبی، عدمی، بالعرض و لازمه عالم ماده و طبیعت دانسته‌اند و صدرا این شرور قلیل را، در مقابل خیرات کثیر، ناچیز و قابل اغماض معرفی می‌کند.</p> |                                    |

## فهرست

| صفحه    | عنوان                                       |
|---------|---|
| .....   | چکیده.....                                  |
| ۱.....  | فصل اول: کلیات و پیشینه بحث.....            |
| ۲.....  | ۱-۱ تبیین موضوع تحقیق.....                  |
| ۳.....  | ۲-۱ سؤالات اصلی.....                        |
| ۳.....  | ۳-۱ سؤالات فرعی.....                        |
| ۴.....  | ۴-۱ فرضیه‌های تحقیق.....                    |
| ۴.....  | ۵-۱ اهداف پایان‌نامه.....                   |
| ۵.....  | ۶-۱ پیشینه تحقیق.....                       |
| ۵.....  | ۷-۱ روش تحقیق.....                          |
| ۶.....  | ۱-۲-۱ تعریف خیر و شر.....                   |
| ۷.....  | ۲-۱-۱ اقسام شر.....                         |
| ۹.....  | ۱-۲-۱-۱ شر طبیعی و اخلاقی.....              |
| ۹.....  | ۳-۱-۱ پیشینه مسأله شر.....                  |
| ۹.....  | ۱-۳-۱ خیر و شر در اسلام.....                |
| ۹.....  | ۱-۳-۱-۱ خیر و شر نزد متکلمان.....           |
| ۱۰..... | ۱-۳-۱-۱ دیدگاه معتزله.....                  |
| ۱۰..... | ۱-۳-۱-۱ اشاعره.....                         |
| ۱۲..... | ۱-۳-۱-۱ اهل حدیث و شرور.....                |
| ۱۲..... | ۱-۳-۱-۱ دیدگاه متکلمان شیعه.....            |
| ۱۴..... | ۴-۱ خیر و شر در اصطلاح فیلسوفان مسلمان..... |
| ۱۵..... | ۱-۴-۱ فارابی.....                           |
| ۱۷..... | ۲-۴-۱ ابن‌سینا.....                         |
| ۱۸..... | ۳-۴-۱ شیخ اشراق.....                        |

|         |   |
|---------|---|
| ۲۰..... | ۱-۳-۴-۱ تضاد                                |
| ۲۲..... | <b>فصل دوم:.....</b>                        |
| ۲۳..... | ۱-۲ مفهوم شرّ از دیدگاه ابن عربی.           |
| ۲۵..... | ۲-۲ مفهوم شرّ از دیدگاه ملاصدرا.            |
| ۳۱..... | ۳-۲ مقایسه آرای صدرا و ابن عربی.            |
| ۳۴..... | <b>فصل سوّم: هستی شرّ.....</b>              |
| ۳۵..... | ۱-۳ رویکرد ابن عربی                         |
| ۳۶..... | ۳-۱-۱ وحدت وجود و نظام هستی.                |
| ۳۸..... | ۳-۱-۱-۱ تجلی و اقسام آن.                    |
| ۴۲..... | ۳-۲ هستی شرور.                              |
| ۴۳..... | ۳-۳ ابن عربی: حق تعالی را خیر محض است.      |
| ۴۵..... | ۴-۳ رویکرد ملاصدرا.                         |
| ۴۷..... | ۳-۴-۱ عنایت و چگونگی دخول شر در قضای الهی.  |
| ۴۹..... | ۳-۴-۲ منشأ شرور هیولی است.                  |
| ۵۲..... | ۳-۵ مقایسه آرای ابن عربی و ملاصدرا.         |
| ۵۶..... | ۳-۶ مظاهر شرّ از دیدگاه ابن عربی و ملاصدرا. |
| ۵۷..... | ۳-۶-۱ جهل مصداق شرّ است.                    |
| ۵۸..... | ۳-۶-۱-۱ جهنم مصداق جهل است.                 |
| ۵۸..... | ۳-۶-۱-۱-۱ معنای جهنم.                       |
| ۶۰..... | ۳-۶-۱-۲ مظاهر جهنم.                         |
| ۶۰..... | ۳-۶-۱-۲-۱ جهل.                              |
| ۶۱..... | ۳-۶-۱-۲-۲ طبیعت آدمی.                       |
| ۶۱..... | ۳-۶-۱-۲-۳ جسم.                              |
| ۶۲..... | ۳-۶-۳ رضا و غضب الهی.                       |
| ۶۴..... | ۳-۶-۳-۱ سبقت رحمت بر غضب.                   |
| ۶۵..... | ۳-۶-۳-۱-۱ عارضی بودن غضب.                   |
| ۶۷..... | ۳-۶-۳-۴ رحمت عامه و خاصه.                   |
| ۶۷..... | ۳-۶-۳-۴-۱ رحمت رحمانیه.                     |
| ۶۷..... | ۳-۶-۳-۴-۲ رحمت رحیمیّه.                     |



- ۶۸..... ۵-۶-۳ خیر و شر (ارادی) به نیت انسان‌ها بستگی دارد.....
- ۶۹..... ۶-۶-۳ هدایت و ضلالت (خیر و شر) . .....
- ۷۰..... ۷-۳ مظاهر شر از دیدگاه ملاصدرا. ....
- ۷۰..... ۱-۷-۳ جهل. ....
- ۷۱..... ۲-۷-۳ نیت و اعمال. ....
- ۷۱..... ۳-۷-۳ الهام و وسوسه. ....
- ۷۲..... ۸-۳ مقایسه آرای ابن عربی و ملاصدرا. ....
- ۷۴..... فصل چهارم: نظام احسن در عرفان و فلسفه.....**
- ۷۵..... ۱-۴ نظام احسن از دیدگاه ابن عربی. ....
- ۸۲..... ۲-۴ نظام احسن و علم عنایی از دیدگاه ملاصدرا.....
- ۸۳..... ۱-۲-۴ دلایل ملاصدرا بر احسن بودن عالم.....
- ۸۵..... ۱-۱-۲-۴ نظام احسن در قوس نزول. ....
- ۸۶..... ۱-۱-۲-۴ انواع مادی بهترین هستند. ....
- ۸۸..... ۲-۱-۲-۴ اثبات نظام احسن در قوس صعود. ....
- ۸۹..... ۳-۱-۲-۴ تبیین نظام احسن مجموعه هستی. ....
- ۹۰..... ۳-۴ اثبات نظام احسن با برهان ائی. ....
- ۹۱..... ۴-۴ مقایسه آرای ابن عربی و صدرا. ....
- ۹۳..... ۵-۴ سازگاری شرور با نظام احسن. ....
- ۹۵..... ۶-۴ امکان خیر محض بودن سراسر هستی. ....
- ۱۰۰..... فصل پنجم: اشکالات و پاسخ‌ها.....**
- ۱۰۲..... ۱-۵ عدمی بودن شرور.....
- ۱۰۴..... ۱-۱-۵ دلیل عدمی بودن شر.....
- ۱۰۷..... ۱-۱-۱-۵ اشکال و اعتراض به عدمی بودن شرور. ....
- ۱۰۹..... ۲-۵ شر لازمۀ جهان مادی است. ....
- ۱۱۳..... ۳-۵ شر ناشی از جزئی‌نگری است. ....
- ۱۱۴..... ۴-۵. شر ناشی از جهل است.....
- ۱۱۶..... ۵-۵ شرور نسبی هستند. ....
- ۱۱۸..... ۶-۵. شرور انتزاعی و بالعرض هستند.....
- ۱۱۹..... ۷-۵. خیر غالب و شر قلیل است.....

- ۸-۵ شر در جهان دیگر جبران میشود. .... ۱۲۰
- ۹-۵ شر مکافات و کیفر عمل است. .... ۱۲۲
- فصل ششم: جمع بندی و نتیجه گیری ..... ۱۲۴
- منابع و مأخذ. .... ۱۳۰

# فصل اول:

## کلیات و پیشینهٔ بحث

## ۱-۱ تبیین موضوع تحقیق:

مسئله شر یکی از عام‌ترین بحث‌های فلسفی - کلامی در میان متفکران بوده که از دیر باز مورد توجه قرار داشته است. برخلاف پاره‌ای از مباحث فلسفی که صرفاً در میان اهل آن علم مورد کنکاش قرار می‌گیرد، بحث شرّ یک مسئله جهان‌شمول است که مورد توجه همه انسان‌هاست. شایان ذکر است که، انسان‌ها در نوع پذیرش خداوند متفاوت‌اند؛ لذا ایمان به خداوند و مبانی دین، نیز متفاوت است. عده‌ای ایمان به خداوند و مبانی دین را به صورت مطلق و بدون چون و چرا پذیرفته‌اند؛ بنابراین برای این دسته پرداختن و کنکاش مسئله شرّ موردی ندارد؛ چون این دسته از انسان‌ها خداوند را از روی دلیل و استدلال نپذیرفته‌اند، تا در آن دست به بررسی و واکاوی بزنند، عامه مردم در چنین حالتی به سر می‌برند. اما دسته دیگری با دلیل و استدلال به الهیات نگاه می‌کنند، و مطابق قواعدی معتقدند که خداوند چون خود واضع قوانین و حکیم علی‌الاطلاق است؛ پس می‌بایست جهان در سیطره قدرت، علم و حکمت او باشد و خودش نیز مطابق آن مبانی رفتار کند. این عده دغدغه دین داشته و به بحث‌هایی مثل خیر و شرّ توجه می‌کنند؛ پس در این میان می‌بایست تبیین و توجیه مناسبی از طرف مدعیان و مدافعان ادیان توحیدی ارائه شود. عدم تبیین این مساله منجر به نوعی بدبینی و شک نسبت به اصل دین خواهد شد؛ زیرا در ادیان توحیدی، خداوند با یک سری صفات مطلق از قبیل علم، قدرت، خیرخواهی و عدل مطلق معرفی می‌شود و مسئله شرّ گویی علیه این عقاید دینی است. حال اگر این مسئله تبیین و توجیه درستی در پی نداشته باشد پناهگاه خوبی برای ملحدین خواهد بود؛ پس متفکران دینی که دغدغه توحید و صفات خداوند را دارند؛ می‌باید توجیه‌گر شرور در عالم باشند. در میان متفکران اسلامی اعم از حکما و متکلمان، عارفان نیز کمابیش در پاسخ به مسئله شرّ صاحب اندیشه‌های زیبایی هستند در این بین، ابن عربی به عنوان پایه‌گذار

عرفان نظری تبیین‌ها و تعبیر نغزی از مسأله شر ارائه می‌دهد، که در این پژوهش به آن خواهیم پرداخت. هم‌چنین از دیدگاه حکیم متأله، صدرای شیرازی که کشش عمیقی به عرفان ابن‌عربی دارد و در بنیان‌گذاری حکمت‌متعالیه از وی متأثر است؛ بهره خواهیم برد و در پاسخ به این مسأله که سؤالات عدیده‌ای را در میان همگان به وجود آورده آرای ایشان را تبیین و تحلیل خواهیم کرد.

## ۲-۱ سؤالات اصلی

سؤالات اصلی که در این پژوهش در پی یافتن پاسخ‌های ابن‌عربی و ملاصدرا به آن‌ها هستیم

چنین است:

۱. شر چیست؟
۲. آیا شر وجود دارد؟
۳. آیا این عالم بهترین نظام است؟
۴. رابطه شرور و صفات الهی چگونه است؟

## ۳-۱ سؤالات فرعی

در پی یافتن پاسخ سؤالات فوق، جواب این دو متفکر را به سؤالات زیر نیز بیان می‌کنیم:

۱. دلیل عدمی بودن شر چیست؟
۲. آیا شر با حکمت الهی سازگار است؟
۳. خاستگاه شر کجاست؟
۴. آیا در عالم مجردات شری هست؟
۵. آیا شر زیباست؟

۶. پاسخ عرفا به این مسأله چیست؟

۷. آیا شرور منافاتی با صفات الهی دارند؟

### ۴-۱ فرضیه‌های تحقیق

در این تحقیق جهت تبیین مسأله می‌توانیم فرضیه‌های متعددی را مد نظر قرار بدهیم:

الف. شر را در تحلیل و بررسی هستی‌شناسانه می‌توان به عدم محض یا امر عدمی که از نوع

عدم مضاف است، نسبت داد که در این صورت منافاتی با صفات کمالی حق تعالی نخواهد داشت.

ب. مطابق دیدگاه عرفا این عالم چون تجلی حق تعالی است و خداوند زیبای مطلق است؛ پس

هرچه در این عالم هست چیزی جز ظهورات زیبایی او نیست؛ پس این عالم زیباست و شری در آن

نیست.

پ. این جهان نظام احسن است و این مطلب در عرفان و فلسفه اسلامی نیز اهمیت داشته و با دو

رویکرد پسینی و پیشینی قابل اثبات است. بنابراین شری در عالم احسن، مستند به خدا نیست.

ت. مطابق دیدگاه فیلسوفان، حتی اگر برای شر وجودی قائل شویم مثلاً برای لذت و الم یک

نحوه وجود در نظر بگیریم بازهم خدشه‌ای بر صفات کمالی خدا وارد نیست؛ زیرا در این عالم که

عالم مادی و دارای حرکت و سکون است، شرّ لازمه این هستی است؛ چون اگر چنین نباشد و شری

در عالم ماده نباشد، دیگر معنایی ندارد این عالم را مادی بدانیم: بنابراین شرور لازمه عالم مادی است.

### ۵-۱ اهداف پایان‌نامه

تبیین دیدگاه ابن عربی و ملاصدرا در مواجهه با مسأله شر که شامل بررسی موارد زیر می‌شود:

الف. یافتن توجیحات ابن عربی و ملاصدرا برای مسأله شرّ

ب. بررسی دیدگاه نظام احسن بودن عالم

پ. ردّ شبهه ثنویت در مسأله شرّ

### ۶-۱ پیشینه تحقیق

پرداختن به مسأله شرّ همواره مورد توجه متفکران عالم بوده، و از دیرباز در میان فلاسفه یونان باستان و سپس در میان فیلسوفان مسیحی مانند توماس اکوئیناس مورد توجه قرار گرفته است. این بحث در لابلائی کتب ارزشمند حکمای اسلام نیز به چشم می‌خورد و مکاتب فلسفی سه‌گانه‌ی اسلام (مشاء، اشراق و حکمت متعالیه) به این مسأله اهتمام داشته‌اند. در عرفان نظری نیز ابن‌عربی به این بحث توجه کرده است و ملاصدرا به عنوان فیلسوفی که مدعی هماهنگی برهان و عرفان است در آثار ارزشمندش به بحث شرّ‌نگاه عرفانی- فلسفی داشته و به پیروی از محیی‌الدین پاسخ عرفا به مسأله شرّ را مناسب‌ترین جواب می‌داند.

در این تحقیق از کتب و منابع مختلف عرفان، فلسفه و کلام، هم‌چنین از نرم افزارهای عرفان، فلسفه و کلام بهره می‌بریم. در حوزه عرفان از آثار فاخر محیی‌الدین ابن‌عربی و پیروانش استفاده می‌کنیم کتبی مانند: *الفتوحات الکیه، الفصوص الحکم* با شروح مختلفش، کتاب‌ها و مقالاتی که ویلیام چیتیک در باره ابن‌عربی نوشته است، کتاب حکمت محی‌الدین نوشته رام لاند، و....

در حوزه فلسفه‌ی اسلامی: *اسفار اربعه، مفاتیح الغیب، شواهد الربوبیه، اسرارالایات و ریحی*

مختوم جوادی آملی و سایر کتب ملاصدرا و پیروان او.

### ۷-۱ روش تحقیق

این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و با جمع‌آوری، تحلیل و بررسی منابع مختلف عرفانی،

کلامی و فلسفی به انجام خواهد رسید.

## ۱-۲ تعریف خیر و شر

خیر در لغت به معنای چیزی است که هر کس به آن رغبت می‌کند. در مقابل، شر به معنای چیزی آمده است که هر کس از آن اعراض و نفرت دارد: «الخیر ما یرغب فیہ الکل، کالعقل مثلاً والعدل والفضل والشیء النافع و ضده الشر» (راغب اصفهانی، بی تا: ۹۰) یا «الشر الذی یرغب عنه الکل، کما ان الخیر هو الذی یرغب فیہ الکل» (همو: ۱۵۷).

در تعریف شر آورده‌اند: «هو فقد ذات الشئ او فقد کمال من الکمالات التی یخصه من حیث هو ذلک الشئی بعینه و الشر علی کلا المعنیین امر عدمی» (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۷: ۵۸) شر عبارت از فقدان ذات یا فقدان کمال ذات است که به آن شیء اختصاص دارد و شر در هر دو مورد عدمی است زنوزی در لمعات الهیه می‌گوید: «وجود من حیث انه وجود خیر محض، و عدم من حیث انه عدم شر محض» (زنوزی، ۱۳۶۱: ۴۰۴) در این تعریف وجود و خیر مساوق دانسته شدند، هر چیزی که سعۀ وجودی بیشتری دارد، از خیریت بیشتری برخوردار است. حق تعالی وجود محض و خیر محض است و شری در او راه ندارد و اشیا هم به سوی خیر محض شوق دارند و بدان سو می‌روند. در این معنا، تقابل میان خیر و شر، تقابل عدم و ملکه است. تقابلی که یک طرف آن امر وجودی و طرف دیگر آن امر عدمی است. مواردی هم چون نابینایی، جهل، مرگ، نقص... که از جمله شرور شناخته می‌شوند، ماهیتی جز عدم و نیستی ندارند. نابینایی عدم بینایی است و بینایی است که حقیقت دارد. جهل، فقدان علم است و مرگ، فقدان حیات است و این شرور موجودیتی در خارج ندارند. در واقع، ما اوصاف عدمی را شر می‌نامیم.

باید توجه داشت که امور عدمی محتاج جاعل و فاعل نیستند. شر در جایی پیدا می‌شود که فاعل فعلیت خود را اعمال نکرده باشد و خیری به وجود نیامده باشد. وقتی فاعل، باعث وجود خیر نشود،



عدم وجود خیر مطرح می‌شود، که همان شر است.

### ۱-۲-۱ اقسام شرّ

ابن سینا بر این باور است که شر عدم است و بر نیست‌انگاری شر تأکید دارد وی شر را به متافیزیکی، ارادی و طبیعی تقسیم می‌کند، ابن سینا گوید:

«بدان که شر بر چند وجه است یا به معنی نقص‌هائی از قبیل جهل، ضعف و نقص در خلقت است، یا به معنی غم و اندوه است» (ابن سینا، ۱۳۸۷: ۶۶۹). «یا به معنی افعال مذموم است یا به معنی خوی‌های زشت است، ... یا به معنی نقصان هر چیزی از حد کمال آن و فقدان چیزی است که شیء می‌تواند داشته باشد.» (همان) و نیز گفته است: «بنابراین شر اصلاً عدم است اما نه هر عدمی بلکه عدم چیزی که مقتضی طبیعت شیء است، یعنی کمالاتی که برای نوع و طبیعت او ثابت است. پس شر بالعرض عبارت است از؛ عدم یا مانع کمال چیزی که شیء مستحق آن است. این عدم بهتر از عدم مطلق نیست مگر در حد لفظ و این عدم شیء متحققی نیست و اگر به نحوی دارای حصول یا تحقق باشد، شر عام خواهد بود» (همان: ۶۷۰) از آنچه گفتیم برمی‌آید که شر بر سه قسم است:

۱-۲-۱-۱ شر طبیعی: این شر به نقص‌ها اطلاق می‌شود، مثل ضعف، بیماری، نقص در خلقت، دردها و آنچه از این قبیل است.

۱-۲-۱-۲ شر اخلاقی: این شر به افعال ناپسند و منشأ آنها و بر هر چیزی که اراده صالح می‌تواند در مقابل آن مقاومت کند، اطلاق می‌شود. پس شر اخلاقی به معنی رذیلت و گناه است.

۱-۲-۱-۳ شر فلسفی (مابعد الطبیعی) که عبارت است از؛ نقصان هر چیزی از حد کمال آن یا عبارت است از چیزی که مانع شیء از رسیدن به کمال مستحق خود گردد. این شر یا ذاتی است یا عرضی. و شر مطلق همان عدم مطلق است (همان: ۶۷۱).

شریت ضد خیریت است. هر موجودی طبق طبیعت خود طالب «کمالی است که این کمال خیریت وجود اوست» (همان: ۳۸۶). و گریزان از «شری است که نقص خاص اوست که این نقص شریت هیولانی و عدمیت اوست، زیرا هر شری از علایق هیولی و عدم است» (همان) در جهان اشیائی وجود دارد که خیریت بر آنها غالب است و اشیائی وجود دارد که شریت بر آنها غالب است. در حالی که خوش‌بینان معتقدند که خیر مقتضای ذاتی و شر مقتضای عرضی است و هر شری جزئی است و برای خیر کلی ایجاد شده است، بدبینان معتقداند که زندگی شر است زیرا زندگی عبارت است از کوشش، جهاد، رنج، محنت (صلیبا، ۱۳۶۶: ۴۰۹).

به عبارت دیگر زندگی یعنی؛ بدبختی، نگرانی و اضطراب، زیرا انسان به لذت و راحت دست نمی‌یابد مگر اینکه بعد از آن گرفتار چنگال درد و رنج شود (همان).

با وجود این خیر و شر از امور نسبی است هیچ کدام از آنها معنی ندارد مگر در مقایسه با دیگری. مشکل شر؛ عبارت است از سؤال از علت وجود شر در این جهان چگونه می‌توان با اعتقاد به خدای خالق رحیم عالم، که قادر بر همه چیز است و متصف به کمال مطلق وجود نیز می‌باشد، شر را توجیه کرد (همان).

## ۳-۱ پیشینه مسأله شر

## ۱-۳-۱ خیر و شر در اسلام

در این بخش ما کوشش داریم که به بررسی پیشینه مسأله شر از دیدگاه علمای اسلام بپردازیم و در این سیر از متکلمان اسلامی شروع می‌کنیم؛ زیرا به لحاظ تاریخی و زمانی متقدم بر فیلسوفان اسلامی‌اند.

## ۱-۱-۳-۱ خیر و شر نزد متکلمان

متکلمان مسلمان با پذیرش وجود شر در عالم، تلاش کرده‌اند با دو نوع پاسخ به حل این مسأله کمک کنند که عبارتند از: عوض و انتصاف

الف. عوض: پاداشی که بنده به خاطر تحمل مشقتی که از جانب خداوند به او رسیده، مانند درد و بیماری و فقر، که مستحق آن گشته است، بی آن‌که عبادتی به قصد قربت کرده باشد. این پاداش را عوض می‌نامند که شامل تمام انسان‌هاست؛ اعم از کافر، مسلمان، کودک، دیوانه یا عاقل (شیروانی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۸۷).

ب. انتصاف: آلام و ناملایمت‌هایی که توسط انسان‌ها در حق افراد مظلوم انجام می‌گیرد. در این قسم از شرور متکلمان معتقدند که درست است که مسؤول مستقیم این آلام و مصائب، انسان است اما چون این جنایت‌ها با تمکین و قدرت خداوند انجام می‌گیرد، خواه ناخواه پرسش از علت شر متوجه خداوند نیز می‌شود. بنابراین می‌بایست خداوند داد مظلوم را از ظالم بستاند و حق به حقدار برسد. خداوند متعال یا در همین دنیا از مظلوم حمایت می‌نماید و ظالم را به شر خویش مبتلا

می‌کند یا این که هر دو را به روز رستاخیز حواله می‌دهد. از این نگره، به اصل «انتصاف» تعبیر می‌شود (همان: ۱۹۷). مکاتب کلامی زیادی در تاریخ اندیشه اسلامی قدم به عرصه ظهور نهاده‌اند؛ از این رو به جریان‌های عمده کلامی نگاه گذرا می‌اندازیم.

### ۱-۳-۱-۱ دیدگاه معتزله

ایشان حسن و قبح افعال را ذاتی، و قدرت خدا را شامل افعال ارادی ما ندانسته و تقیید زده-اند (شیروانی، ۱۳۸۲: ۸۱). معتزله توجه دارند که یکی از لوازم شمول اراده الهی و در پی آن از لوازم توحید افعالی این است که خالق افعال ارادی انسان، اعم از خوب، بد، کفر، عصیان، ظلم و فحشا، خداوند است و برای تنزیه خداوند از نقایص، ملتزم به عدم شمول اراده الهی نسبت به افعال اختیاری شده‌اند؛ هم‌چنین حسن و قبح ذاتی اشیا و توان عقل برای درک آن و نیز عدل و ظلم ذاتی افعال را با صرف نظر از امر و نهی شارع پذیرفته‌اند و بسیاری از مباحث کلامی از جمله بحث خیر و شر را بر آن سامان داده‌اند. شرور و آلام طبیعی را ناشی از اراده خدا، اما شرور ارادی را ناشی از اراده انسان می‌دانند (همان: ۱۰۲).

ایشان در پاسخ به مسأله شر از اصولی که نزد اکثر متکلمان پذیرفته شده است سخن می‌گویند که عبارت‌اند از: عوض و انتصاف. اما نوع نگرش معتزله فرق دارد. عوض و انتصاف را صرفاً عقلی دانسته‌اند (همان: ۱۹۷).

### ۱-۳-۱-۲ اشاعره

یکی از ارکان اعتقادات اشعریان انکار «چارچوب اخلاقی پیشین» برای افعال الهی است. عقل نمی‌تواند بر اساس حسن و قبحی که درک می‌کند، محدوده‌ای برای افعال خدا ترسیم نماید (سعیدی